

بررسی جرم کیف قاپی در حقوق کیفری ایران

فاطمه ساکی پور^۱، الهام جمالی^۲

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد

^۲ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود

چکیده

جرمی مانند کیف قاپی از جمله جرایم رایج در شهرهای بزرگ می باشد. شلوغی شهرها، بی احتیاطی افراد، و جسارت بزهکاران در نمایش قدرت باعث می شود قانونگذار جرم کیف قاپی و مجازات آن را به طور جداگانه مورد بررسی قرار دهد، و اگرچه کیف قاپی زیر مجموعه انواع سرقت تعزیری می باشد، اما با توجه به تهدیدی که علیه امنیت روانی جامعه دارد، و بی نظمی که به وجود می آورد قانونگذار به طور قاطع با آن برخورد کرده است. هدف از انجام این تحقیق کیف قاپی و کیف زنی در استان لرستان بوده، که در پنج فصل تنظیم شده است. در این تحقیق مشخص شد ویژگی ها و خصوصیات جغرافیایی، محیطی، خانوادگی، جمعیت شناختی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اخلاقی، اجتماعی، روان شناختی کیف قاپان در بروز این جرم موثر است، و فرضیات تایید شدند. در این تحقیق پیشنهاداتی همچون کم کردن شکافهای طبقاتی به صورت عینی و پابین آوردن سطح توقعات و تعریف الگوی مطلوب زندگی، آموزش خانواده‌ها در مورد شیوه‌های فرزند پروری و تمرکز متصدیان امر بر کودکان و نوجوانانی که در معرض خشونت خانواده از هم گسیخته قرار دارد، بهبود شرایط زندگی در محله‌های جرم خیز و مدیریت نظام مند اوقات و فراغت نوجوانان و جوانان و... ارائه گردیده است.

واژه‌های کلیدی: سرقت، کیف قاپی، عوامل اجتماعی و عوامل اقتصادی

۱- مقدمه:

کیف قاپی یا ربودن کیف: ربایش ناگهانی کیف متعلق به شخص دیگر به طور علنی. در اصطلاح پلیسی کیف قاپی گفته می‌شود. کیف، در فرهنگ لغت معین به معنی، وسیله‌ای کیسه مانند که در آن اشیاء را می‌گذارند و حمل می‌کنند و انواع مختلف دارد. (معین، ۱۳۷۲: ذیل واژه کیف) آمده است. پایین بودن هزینه جرم، سهل الوصول بودن، زمینه‌های ارتکاب باعث روی آوردن جوانان بیکار و شرور به ارتکاب جرائمی مانند کیف قاپی می‌شود. کیف قاپی و جیب‌بری از جمله جرائمی هستند که احساس ناامنی را در جامعه ترویج داده و سبب تزلزل امنیت اجتماعی و موجب بحران روحی و دل‌سردی عامه مردم نسبت به امنیت خود و محیط پیرامونی که در آن رشد و زندگی می‌کنند می‌شود. سارق و کیف‌قاپان کیف قاپ معمولاً با برنامه ریزی مناسب و برآورد وضعیت مکان و زمان و اطمینان از عدم حضور مأموران در فرصتی مناسب مبادرت به انجام عمل مجرمانه خود می‌نمایند. کیف قاپی جز سرقت‌های غیر حدی و غیر مشدد است. منظور از مشدد این است که یک سری شرایط، کیفیات و اوضاع و احوال خاص است که مجازات سارق و کیف‌قاپ بر اساس این شرایط و اوضاع و احوال در نظر گرفته می‌شود که مجازات آن به مراتب بیشتر از سرقت‌هایی است که فاقد این شرایط هستند.

وقوع بیش از حد این جرایم در محیط‌های شهری نه فقط با اصول مسلم نظم اجتماعی تعارض دارد، بلکه همراه خود ضایعات سنگین و وخامت کلی در کیفیت زندگی را به ارمغان می‌آورد. از دیرباز شناسایی عوامل بروز جرم و سعی در از بین بردن آنها و یا کاهش اثرات آن مهمترین راهکار پیشگیری و کاهش ناهنجاری شناخته شده است. صاحب‌نظران در بررسی‌های جغرافیایی انواع جرایم و رفتارهای ناهنجار شهری به تأثیر چند عامل کلیدی شامل: قانون، مجرم، قربانی، زمان و مکان جرم توجه می‌کنند لذا تفاوت در نوع و میزان تأثیر این عوامل موجب می‌شود تا توزیع فضایی، زمانی جرایم در سطح شهر یکسان نبوده و در برخی محدوده‌ها ارتکاب جرم بیشتر باشد.

جرمی که خیلی اتفاق می‌افتد آن هم کیف زنی یا به اصطلاح عامه کیف قاپی است. کیف زنی با کیف قاپی تفاوت دارد از این نظر که: کیف قاپی معادل استیلاب در فقه جزایی است. کیف قاپ کسی است که مال را علناً و آشکارا از غیر حرز (مکان پنهان مال) می‌رباید. اما؛ کیف زنی معادل طراره در فقه جزایی است و طرار کسی است که مال را با تردستی از جیب و لباس تن کسی خارج نموده و سرقت می‌برد. جرم کیف زن و کیف قاپ، در قانون فعلی، قرار کفالت به وثیقه تغییر یافته و بسته به اینکه جرم کیف‌قاپان و کیف زنان، چقدر سنگین باشد و چه مقداری به سرقت رفته باشد، قرار وثیقه تعیین می‌شود. جرایم آپارتمانی در سال‌های اخیر به عنوان نوعی از جرایم شهری مطرح شده و مورد بحث قرار گرفته است. در این جرایم مسئله اساسی تأثیر وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی محله در کیفیت وقوع جرم است. بر این اساس، می‌توان گفت جرم کبف قاپی جزء اینگونه جرایم هاست که در محله‌های مختلف بر اساس وضعیت فرهنگی و اجتماعی صورت می‌گیرد.

این جرم به دلیل آن که موارد شانزده گانه سرقت حدی را شامل نمی‌شود جز سرقت‌های خاص است اگر این جرم بدون آزار یا تهدید صورت گیرد مجازات آن ماده ۶۵۷ قانون مجازات اسلامی است که عبارت است از: هر کس مرتکب ربودن مال دیگری از طریق کیف زنی جیب‌بری و امثال آن شود به حبس از یک تا پنج سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. کیف قاپی از نوع جرایم تعزیری است. زیرا سرقت تعزیری می‌تواند شیء باشد که این مال یا شیء باید چند وجه داشته باشد که اولاً قابل تملک باشد و دوماً قابل انتقال باشد. قابل تملک اعم از اینکه برای خود فرد ارزش داشته باشد یا خیر و قابل انتقال باشد یعنی بشود آنرا جابه‌جا کرد. (عنصر مادی جرم) اما عنصر معنوی جرم کیف قاپی سوء نیت عام یا قصد فعل که همان قصد و عمد در ربودن است که یعنی عمل ربایش را ببا قصد انجام داده است.

استان لرستان هم مانند دیگر استان ها با افراد کیف قاپ روبه رو است. از عوامل موثر بر کیف قاپی در استان لرستان می توان به موارد ذیل اشاره نمود: ۱- بیکاری و فقر مالی. ۲- عدم همخوانی نیروهای اجرایی با فزونی افزایش جرایم و در امر پیشگیری از جرایم. ۳- عدم توسعه کلانتری های مصوب با توجه به گستردگی حوزه استحفاظی خصوصاً روستایی و تراکم جمعیت و کار مضاعف. ۴- سهل انگاری و بی توجهی اکثر مردم به هشدارهای پلیسی.

۲-۱- تعاریف و مفاهیم

۲-۱-۱- تاریخچه جرم سرقت در قوانین ایران

در نظام حقوقی پیشین ایران، جرم سرقت و برخی از جرایم مرتبط با آن در فصل پنجم از «قانون مجازات عمومی» (مواد ۲۲۲ الی ۲۳۲) مورد حکم قرار گرفته بودند. علاوه بر این، در بعضی از قوانین متفرقه هم انواع مختلفی از سرقت های خاص، از قبیل سرقت های مسلحانه از منازل مسکونی یا سرقت هایی که از بانک ها، صرافی ها، جواهر فروشی ها و مکان های مشابه صورت می گرفتند، مورد پیش بینی قرار گرفته بود.

در نظام حقوقی فعلی ایران نیز، به تبعیت از فقه اسلامی که حرمت مال مسلمان را همچون حرمت خون او می داند، (بنا به روایت ابن مسعود از پیامبر، صلی ... علیه و آله و سلم، «حرمة مال المسلم كحرمة دمه» ر.ک. میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۱۸) ارتکاب سرقت جرم دانسته شده و طی مواد گوناگونی برای آن مجازات تعیین شده است. از لحاظ قوانین فعلی ایران، انواع مختلف این جرم را می توان به سه دسته کلی به شرح زیر تقسیم بندی کرد:

اول: سرقت های مستوجب حد (موضوع مواد ۲۶۷ الی ۲۷۸ «قانون مجازات اسلامی» مصوب سال ۱۳۹۲)؛

دوم: سرقت های خاص (موضوع مواد فصل بیست و یکم «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵ و برخی از قوانین متفرقه)؛

سوم: سرقت های ساده مستوجب تعزیر (موضوع ماده ۶۶۱ «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵).

جرم شروع به ارتکاب سرقت در ماده ۱۲۲ «قانون مجازات اسلامی»، مصوب سال ۱۳۹۲، و جرم مداخله در اموال مسروق در ماده ۶۶۲ «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵، مورد حکم قرار گرفته اند.

برخلاف کلاهبرداری و خیانت در امانت، قانونگذار جرم سرقت را صراحتاً تعریف کرده است. ماده ۲۶۷ «قانون مجازات اسلامی» مصوب سال ۱۳۹۲، در تعریف جرم سرقت اشعار می دارد: «سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است»^۱. در این تعریف، سه عنصر «ربودن»، «مال» و «تعلق به غیر» مشاهده می شوند، که در زیر هر یک را به طور جداگانه مورد بررسی قرار می دهیم.

۲-۱-۲- تعریف سرقت در قوانین مجازات اسلامی

برخلاف قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ که تعریفی از جرم سرقت ارائه نکرده بود. قانونگذار اسلامی صراحتاً جرم سرقت را تعریف کرده است. تعریف قانونگذار اسلامی از سرقت برگرفته از عقاید فقهای امامیه در باب بیان شرایط و ارکان سرقت است.

^۱ - ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی سابق، مصوب سال ۱۳۷۰، سرقت را «ربودن مال دیگری به طور پنهانی» تعریف کرده بود، که از این جهت که پنهانی بودن را (که از شرایط حدی شدن سرقت است) در تعریف سرقت به طور کلی آورده بود، قابل انتقاد بود. این اشکال در قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲، مرتفع شده است.

۱- قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱

در قانون حدود و قصاص و مقررات آن مصوب ۱۳۶۱/۶/۳ مقنن در قسمت حدّ سرقت الحاقی مصوب ۱۳۶۱/۷/۲۰^۳ طی ماده ۲۱۲ در مقام تعریف سرقت برآمده و چنین گفته بود: « سرقت عبارت است از اینکه انسان مال دیگری را به طور پنهانی برپاید» از اطلاق و عموم ماده مذکور چنین استنباط می شود که قانونگذار خصوصیت «مخفیانه بودن» را از ماهیت سرقت دانسته است. بنابراین اگر سرقت با خصوصیات مذکور واقع شود، چنانچه شرایط مربوط به اجرای حدّ را دارا باشد. سارق مستوجب حد بوده و در غیر این صورت مستحق تعزیر است.

اما قانونگذار اسلامی طبق بند ۱ و تبصره ذیل ماده ۲۱۵ همان قانون، « مخفیانه بودن» را که در تعریف سرقت ملحوظ کرده بود از شرایط اجرای حد اعلام نموده و در صورت فقد آن مرتکب را مستوجب تعزیر دانسته است. مطابق ماده ۲۱۵: «سرقت در صورتی باعث حد می شود که با خصوصیات زیر انجام شود: ۱- به صورت مخفیانه انجام گیرد. ۲- در سال قحطی نباشد» و تبصره ذیل ماده نیز اشعار می داشت: « در صورت فقدان یکی از شرایط مذکوره سارق به شرحی که در مبحث مربوطه خواهد آمد، تعزیر می شود» و لذا با جمع مواد ۲۱۲ و ۲۱۵ قانون حدود و قصاص می توان چنین برداشت کرد که قانونگذار اسلامی به دو نوع سرقت مستوجب حد و تعزیر قائل شده است. اما با توجه به صراحت ماده ۲۱۲ فوق الذکر، خصوصیت «مخفیانه بودن» سرقت فقط مستوجب حد را شامل می شود. حال این سؤال مطرح است که سرقت تعزیری چیست و آیا سرقت مستوجب تعزیر خصوصیت «مخفیانه بودن» را دارا است یا خیر؟ و اگر چنین خصوصیتی در تعریف سرقت تعزیری وجود دارد، پس سرقت های به علن و آشکار و احياناً با قهر و غلبه مشمول چه حکمی از قانون مجازات اسلامی قرار می گیرند؟

قانونگذار اسلامی سال ۱۳۶۱ نیز همانند قانونگذار مجازات عمومی سابق، تعریفی از سرقت مستوجب تعزیر ارائه نداده بود. فقط در ماده ۱۰۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ مقرر داشته بود که: « هر گاه سرقت جامع شرایط حد نباشد، سارق با شلاق تا ۲۴ ضربه محکوم می شود»

برخی از محققین و اساتید حقوق جزا برای اینکه تعریف ارائه شده در ماده ۲۱۲ قانون حدود و قصاص تعریفی جامع و مانع بوده و سرقت مستوجب تعزیر را نیز در برگیرد. دو راه حل پیشنهاد کردند: (آزمایش، ۱۳۶۷ ص ۲۳) اول اینکه- قانونگذار بند یک ماده ۲۱۵ را حذف نماید. در این صورت تعریف سرقت مطابق ماده ۲۱۲، عام بوده و شامل سرقت مستوجب حد و تعزیر می شود. مشروط بر اینکه تکلیف سرقت هائی را که به علن انجام گرفته و بعضاً با اذیت و آزار و احياناً ضرب و جرح و حتی قتل همراه است، معین کند.

دوم اینکه- با توجه به اینکه در حال حاضر چنین اصلاحی به عمل نیامده است، «مخفیانه بودن» را از خصوصیت تعریف عمل سرقت ندانسته و آن را از شرایط اجرای حد بدانیم. و بدین ترتیب، سرقت به عنوان «ربودن متقلبانه مال دیگری» تعریف شود. حال اگر این سرقت با شرط «مخفیانه بودن» همراه بوده، یکی از شرایط اجرای حد تلقی گردد. این تعریف شامل سرقت های به علن شده و مشکلی که در اثر ملحوظ داشتن قید «مخفیانه بودن» به عنوان خصوصیت تعریف ایجاد می شود مرتفع می گردد. (موذن زادگان، ۱۳۷۰، ص ۴۵)

اما به نظر می رسد، اگرچه این نحوه تفسیر از خصوصیت «مخفیانه بودن» به عنوان شرط اجرای حد تلقی کردن آن- رفع مشکل می کرد، لیکن با اراده قانونگذار در تعریف جرم سرقت و بیان شرایط (ماده ۲۱۳ قانون حدود و قصاص) و همینطور

^۳ منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۰۹۷۲ مورخ ۱۳۶۱/۸/۴ (مجموعه قوانین سال ۱۳۶۱، ص ۴۲-۶۱)

^۲ مواد ۱۹۶ تا ۲۱۸ راجع به حد مجاریه و حد سرقت در تاریخ ۲۰ مهر ماه ۱۳۶۱ منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۰۹۸۷ مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۴ به قانون حدود و قصاص الحاق گردید.

^۴ منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۱۲۷۸ مورخ ۱۳۶۲/۸/۲۳ (مجموعه قوانین سال ۱۳۶۲، ص ۳۸۹)

شرایط اجرای حد آن (ماده ۲۱۷ قانون مذکور) مغایرت پیدا می کرد زیرا، قانونگذار در بند یک ماده ۲۱۵ در مقام بیان خصوصیات اجرای شرایط حد نبوده است. به صراحت این بند، خصوصیت «مخفیانه بودن» از قید عمل سرقت تلقی شده بود. آن عملی که در ماده ۲۱۲ تعریف شده است. به علاوه اینکه شرایط اجرای حد نیز در ماده ۲۱۷ قانون بیان شده بود و لهذا، اگر اراده واقعی قانونگذار بر این بود که «مخفیانه بودن» را به عنوان شرط اجرای حد قلمداد کند، در عداد یکی از شرایط پنجگانه ماده مذکور ملحوظ می داشت. بنابراین می توان گفت که قانونگذار با انشاء بند یک ماده ۲۱۵ تاکید بیشتری بر قید «مخفیانه بودن» به عنوان سرقت موجب حد داشته است. و این تاکید و وسواس در ترجمه ظاهری متون فقهی، موجب نمی شود سرقت مستوجب تعزیر را فاقد وصف خصوصیت «مخفیانه بودن» بدانیم. بدین ترتیب، هر چند در نظر دقیق بند یک ماده ۲۱۵ زائد بوده و نیازی به تاکید نبوده است. اما قرار دادن آن نیز، موجب تغییر در تعریف فقهی سرقت که قانونگذار خود را بدان ملزم می داند، نیست.

۲- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰

قانونگذار اسلامی با تصویب قانون مجازات اسلامی در تاریخ ۱۳۷۰/۵/۸ به ایراد وارده نسبت به مقررات این ماده ۲۱۵ قانون حدود و قصاص سابق توجه کرده و با حذف آن، طی ماده ۱۹۷ فعلی در خصوص تعریف سرقت می گوید: « سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری به طور پنهانی»^۵ بعلاوه به جای ماده ۱۰۸ قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ در ماده ۲۰۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، سرقتی را که فاقد شرایط اجرای حد باشد و موجب اخلال در نظم یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد اگرچه شاکی نداشته یا شاکی گذشت نموده باشد، مستوجب کیفر دانسته است. لیکن باز به سرقت های علنی و توأم با تهدید و زور اعم از آنکه در سرقت مستوجب حد باشد و یا در سرقت تعزیری، اشاره نکرده است. در عین حال با اینکه ماده ۲۱۵ سابق و بندهای دو گانه و تبصره ذیل آن در قانون جدید حذف شده، لیکن با توجه به اینکه در تعریف مذکور باز به ربایش پنهانی اشاره شده و بعلاوه این تعریف در باب هشتم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ تحت عنوان «حدسرت» ذکر گردیده است، لذا هنوز این سؤال مطرح است که آیا سرقت مستوجب تعزیر خصوصیت «مخفیانه بودن» را دارا است یا خیر؟ و اگر چنین خصوصیتی در تعریف سرقت مستوجب تعزیر است سرقت های به علنی و ظاهر و احیاناً با زور و تهدید، مشمول چه حکمی از قانون هستند؟ در خصوص پاسخ به سوال اول باید توجه داشت که قانونگذار به پیروی از ترجمه تحت اللفظی متون فقهی و بدون تعمق کافی قید مخفیانه بودن، عمل سرقت رابه عنوان سرقت مستوجب حد ملحوظ داشته است. اما با دقت در شرایط و ضوابط حد سرقت معلوم می شود که این قید از خصوصیات تعریف سرقت اعم از حد و تعزیر است. و بدون وجود آن اصولاً جرم سرقت محقق نمی شود.

راجع به حل این مساله و اشکال مطرح شده در سؤال دوم، یعنی تعیین تکلیف سرقت های به ظاهر و علنی یا هر طریق که انجام گیرد. باید توجه داشت که این قبیل سرقت ها در فقه جزائی ما تحت عنوان «استلاب» مطرح و مورد بحث قرار گرفته اند. اما متأسفانه قانونگذار اسلامی این عنوان را در جزئیات وارد نکرده است. با این حال، عدم ذکر عنوان مذکور توسط قانونگذار مانع از آن نیست که سرقت های فوق الذکر در تحت شمول حکم سرقت های تعزیری واقع شده و مرتکبین آنها تعزیر شوند. زیرا که در فقه جزائی مرتکبین این سرقت ها با عنوان ذکر شده، مستوجب تعزیر هستند. و از آنجا که سرقت تعزیری و اینگونه سرقت ها (تحت عنوان استلاب) در دو عنصر «ربودن» و «مجازات» مشترک هستند هر چند که قانونگذار، به لحاظ مسامحه

^۵منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۳۶۴۰ مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۱ (مجموعه قوانین سال ۱۳۷۰، ص ۶۱۸)

عنوان جزائی را ذکر ننموده، ولی با این حال و با استدلال اینکه تفاوت عنوان تغییری در میزان مجازات ایجاد نمی کند، مجازات تعزیر مرتکبین آنها طبق ماده ۱۰۸ سابق بلاشکال بوده است. در واقع مسامحه قانونگذار در ذکر عنوان، موجب تبرئه اینگونه سارقین نمی شود.^۶

علی هذا، چنانچه گفته شد راجع به اشکال مطرح شده در تعریف مندرج در ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی در مورد سرقت هنوز به قوت خود باقی است و خصوصیت «مخفیانه بودن» را باید از تعریف سرقت حذف کنیم و منظور مقنن از تعریف سرقت باید به نحوی باشد که هم سرقت مستوجب حدّ و هم سرقت مستوجب تعزیر را شامل شود و با حذف صفت «پنهانی» باید صفت دیگری را که از ارکان ربودن است، جایگزین آن نمائیم و آن «ربودن متقلبانه» است. مقررات ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی صفت «مخفیانه بودن» را جز اجزای تشکیل دهنده سرقت دانسته است که شامل انواع کلی سرقت نمی شود. اگر منظور مقنن از مخفیانه بودن، متقلبانه بودن یعنی عدم توجه و التفات و رضایت صاحب مال باشد که در کلمه «ربودن» تقلب هم مستتر است. لذا آن وقت می توان گفت که تعریف مندرج در ماده ۱۹۷ تعریف جامع و مانع سرقت می باشد و انواع سرقت را در بر می گیرد. در حالی که مخفیانه بودن شرط اجرای مجازات حدّ است و نه عنصر تشکیل دهنده سرقت به طور عام و در سایر موارد مخفیانه بودن در سرقت تأثیری در اعمال مجازات ندارد. بنابراین شایسته است که تعریف سرقت به صورت عام را از تعریف سرقت مستوجب حدّ جدا کنیم و در تعریف سرقت بگوئیم: «سرقت عبارتست از ربودن متقلبانه مال منقول متعلق به غیر می باشد» و در تعریف سرقت مستوجب حدّ می بایست تعریفی که متناسب با آن باشد و در برگیرنده شرایط کلی قانونی باشد، ارائه نمائیم. از این حیث می توان گفت: «سرقت حدّی عبارت از این است که شخصی غیر از پدر صاحب مال و در غیر سال قحطی و در عین برخورداری از عقل و بلوغ واراده آزاد و با علم به تعلق مال به مالک خصوصی دیگر و حرمت سرقت، عین مالی را که حداقل معادل ۴/۵ نخود طلای مسکوک مالیت دارد و صاحب مال آن را در حرز متناسب قرار داده و محل آن از سارق غصب نشده باشد؛ با هتک حرز بیرون آورده و به عنوان سرقت به طور مخفیانه برآید» به عبارت دیگر اگر بخواهیم تعریف ساده تری جهت سرقت مستوجب حدّ بیان کنیم. می توان گفت که: «سرقت مستوجب حدّ عمل ارادی و عمدی شخصی غیر از پدر صاحب مال در غیر سال قحطی در ربودن مخفیانه معادل ۴/۵ نخود طلای مسکوک از مال دیگری توأم با هتک حرز می باشد» (شامبیاتی، ۱۳۸۰، صفحات ۳۴ و ۳۵) و نیز در تعریف جرم سرقت به طور کلی گفته شده است: «سرقت عبارت است از ربودن (عمل) مخفیانه (وصف عمل) مال دیگری (موضوع عمل) از طرف غیر پدر مجنی علیه (این ضروری است) در غیر سال قحطی (زمان ارتکاب)» (صبری، ۱۳۷۸، ص ۴۳) و چون اصل در جرائم، عمدی و ارادی بودن است لذا عنصر روانی در این تعریف ذکر نشده است.

۳- قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۷۵

قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) به دنبال قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و در ادامه آن، در تاریخ ۱۳۷۵/۳/۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و لازم الاجراء شد.^۷ چهار کتاب اول قانون مجازات اسلامی تحت عناوین کلیات، حدود، قصاص و دیات مشتمل بر مواد ۱ تا ۴۹۷ با استفاده از مجوز اصل ۸۵ قانون اساسی در کمیسیون قضایی و حقوقی

^۶ شاید علت مسامحه قانونگذار در ذکر عنوان، عدم تفاوت مجازاتهای عناوین سرقت تعزیری و استلاب باشد. با وجود این توجیه، مسامحه قانونگذار در ما نحن فیه طبق اصل قانونی بودن جرم و مجازات مطابق اصل سی و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده دوم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، پذیرفتنی نیست و ذکر عنوان «استلاب» با خصوصیت مربوط و میزان مجازات آن ضرورت دارد.

^۷ منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۴۹۴۳ مورخ ۱۳۷۵/۴/۴

مجلس شورای اسلامی تصویب و ماده ۵ آن به وسیله مجمع تشخیص مصلحت نظام اصلاح شده و در نتیجه به مدت پنج سال به طور آزمایشی قابل اجرا بوده است. (کشاوری، ۱۳۷۵، ص ۴) اما قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) که از تاریخ ۱۳۷۵/۴/۱۹ لازم الاجراء شده است، قانونی دائمی و غیرآزمایشی است. شاید بتوان گفت که این قانون - بدون اینکه خالی از نقص و غیرقابل انتقاد باشد - بهترین قانون جزائی است که بعد از تغییر نظام قضایی به تصویب رسیده است. از مشخصات گفتنی این قانون یکی گردآوری جرائم تعزیری مختلف در مجموعه واحد و دیگر رفع نواقص و اشکالات قانون تعزیرات قبلی است. البته باید به وجود اشکالات عبارتی، شدت غیر قابل توجیه برخی مجازاتها و غیر قابل گذشت اعلام شدن بی جهت بعضی دیگر و بالاخره وجود پاره ای ابهامات که می تواند مشکل آفرین باشد، اشاره کرد. که امید است از طریق ایجاد وحدت رویه قضایی و تفسیر قضائی و شاید هم اصلاحات قانونی، این ایرادات مرتفع گردد.

قانون تعزیرات جدید متن اصلاح شده قانون تعزیرات قبلی است که موادی مقتبس از قانون مجازات عمومی اسبق به آن افزوده شده و ضمناً موادی مربوط به جرائم قابل تعزیر از قوانین متفرقه نظیر قانون ازدواج و قانون حمل چاقو و اسلحه سرد و مزاحمت بانوان، در آن گردآوری گشته است.

فصل بیست و یکم این قانون تحت عنوان «سرقت و ربودن مال غیر» مشتمل بر مواد ۶۵۱ تا ۶۶۷ که بیشتر آن مقتبس از قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ بوده و تعدادی نیز موادی جدید التصویب می باشد، به سرقت و انواع مختلف آن اعم از سرقت های تعزیری مشدّد و سرقت های تعزیری ساده اختصاص دارد. با اینکه در این قانون نیز از سرقت های تعزیری تعریفی ارائه نشده است. لیکن با توجه به جمیع مواد مربوط و مفاد آنها می توان این تعریف را به عنوان تعریفی جامع و مانع از سرقت تعزیری ارائه داد که: «سرقت عبارت از ربودن بدون اطلاع و بدون رضایت مال دیگری است»

۴- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

قانونگذار قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ متوجه این ایراد شده و سرقت را در ماده ۲۶۷ چنین تعریف می نماید: «سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است» این تعریف در واقع در برگیرنده سرقت مستوجب حد و سرقت تعزیری توانا می باشد. منتها جهت تفکیک سرقت مستوجب حد از سرقت مستوجب تعزیر باید به شرایط و خصوصیات مندرج در ماده ۲۶۸ همین قانون مراجعه نمود، به این نحو که اگر هتک حرز و سرقت، مخفیانه باشد در صورت اجتماع کلیه شرایط مندرج در این ماده، مجازات آن حد است و اگر سرقت فاقد یکی از شرایط باشد مجازات مرتکب تعزیر است. حال بر اساس تعریف ارائه شده می بایست عناصر تشکیل دهنده جرم سرقت را به صورت عام مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. که در مبحث دوم همین فصل بر اساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به آن خواهیم پرداخت.

۲-۲-۲- ارکان جرم کیفی قاپی و مجازات آن

۲-۲-۱- عنصر قانونی جرم کیفی قاپی و مجازات آن

جرمی مانند کیف قاپی از جمله جرایم رایج در شهرهای بزرگ می باشد. شلوغی شهرها، بی احتیاطی افراد، و جسارت بزهکاران در نمایش قدرت باعث می شود قانونگذار جرم کیفی قاپی و مجازات آن را به طور جداگانه مورد بررسی قرار دهد، و اگرچه کیف قاپی زیر مجموعه انواع سرقت تعزیری می باشد، اما با توجه به تهدیدی که علیه امنیت روانی جامعه دارد، و بی نظمی که به وجود می آورد قانونگذار به طور قاطع با آن برخورد کرده است.

۲-۳-۲- شرایط جرم کیف قاپی به عنوان سرقت تعزیری

کیف قاپی و مجازات آن از این جهت مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است که سرقت یکی از جرایم شنیعی است که به غیر از ضربه مالی، آسیب های روحی زیادی به دنبال دارد. احساس مالباخته بودن می تواند بار روانی شدیدی را به افراد تحمیل کند، و مقنن در دسته بندی های مختلف مجازات های سنگینی را برای جرم سرقت در نظر گرفته است. در پیچیده ترین شکل سرقت که به آن سرقت حدی گفته می شود، قانونگذار ۱۴ شرط را برای تحقق سرقت حدی مشخص کرده است، و با نبودن هر کدام از شرایط سرقت از حدی به تعزیری تنزل پیدا خواهد کرد و مجازات آن کاهش می یابد.

سرقت تعزیری انواع مختلفی دارد که کیف قاپی از جمله آن می باشد. بر خلاف سرقت حدی از که مجازات آن از طرف شارع مقدس تعیین شده است، مجازات سرقت تعزیری توسط قانونگذار وضع شده و قابل تعدیل و تخفیف می باشد. نوع دیگری از سرقت وجود دارد که سرقت با شرایط خاص گفته می شود که بکارگیری اسلحه، سرقت در شب و تعداد سارق و کیف قاپین در مجازات آن تاثیر گذار است.

۲-۲-۲- عنصر قانونی جرم کیف قاپی

بر اساس ماده ۶۵۷ قانون مجازات اسلامی هر کس مرتکب ربودن مال دیگری از طریق کیف زنی - جیب بری و امثال آن شود به حبس از یک تا پنج سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. براساس ماده ۶۵۷ قانون مجازات اسلامی، جرم جیب بری را تحت هر صورتی مستوجب تعزیر دانسته است نه حد. نگارندگان پس از بررسی اقوال و ادله فقها در این زمینه برخلاف نظریه مشهور فقها و همچنین ماده ۶۵۷ قانون مجازات اسلامی، به این نتیجه می رسند که با توجه به مرجعیت عرف در موضوع شناسی حرز، روایات دال بر تفصیل تنها ناظر به بیان بعضی از مصادیق سرقت از حرز در عمل جیب بری هستند و می توان از موارد موجود در این روایات الغای خصوصیت کرد و فقط آنها را از باب مثال دانست، نه اینکه اخذ به روایات دال بر تفصیل از باب تعبد بوده و به تبع آن سرقت از حرز و غیرحرز منحصر به موارد موجود در این روایات شود. همانطور که گفته شد برای جرم کیف قاپی و مجازات آن حبس از یک تا سه سال در نظر گرفته شده است. اما این جرم با توجه به تعزیری بودن آن شرایط مخصوص به خود را داشته، از جمله آنکه به طور آشکار انجام می شود و امکان پیش بینی سرقت وجود دارد. همچنین ربودن کیف افراد در معابر عمومی حالتی است که نمی توان برای مال حرز در نظر گرفت بنابراین سرقت مال در غیر حرز محسوب می شود. تفاوت این جرم با جیب بری آن است که جیب بر با تردستی و حيله از افراد سرقت می کند و به طور پنهانی بوده و مال از حرز خارج می گردد. سرقت موبایل در شرایط خاصی انجام می شود، مانند آنکه افراد در حال گفتگو با موبایل و یا در دست داشتن آن مورد سرقت قرار بگیرند، بنابراین جرم کیف قاپی مصداقی ندارد و می توان آن را در شمار جیب بری به حساب آورد، با در نظر داشتن این نکته که مال در غیر حرز ربوده شده است.

۲-۲-۴- تشدید مجازات

در صورتی که جرایمی دیگری در راستای کیف قاپی انجام شود می تواند شدت مجازات را افزایش دهد، به طور مثال فروش مال مسروقه جرمی مستقلی بوده و در کنار کیف قاپی برای مجرم مجازات شدید تری را به دنبال دارد. بنابراین علاوه بر سرقت فروش مال غیر در حکم کلاهبرداری نیز به جرایم شخص افزوده خواهد شد.

همچنین در ماده ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی آمده است که: هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق و کیف قاپ مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می‌گردد».

همانطور که ملاحظه می‌شود سرقتی که همراه با اذیت و آزار افراد باشد، مجازات سنگین تری خواهد داشت و علاوه بر آنکه مدت حبس تا ده سال افزایش پیدا کرده شلاق نیز به آن افزوده شده است. بنابراین قانونگذار درباره ی کیف قاپی و مجازات آن جنبه های مختلف جرم را در نظر گرفته و شرایطی که سارق و کیف قاپ مرتکب جرم می‌شود می‌تواند موجب افزایش مجازات گردد.

باید توجه داشت که استفاده از سلاح گرم و سرد و بکارگیری آن در هنگام سرقت می‌تواند مجازات شدیدی در پی داشته باشد، و این در صورتی است که فرد به عنوان محارب و مفسد فی الارض شناخته نشود وگرنه مجازات آن اعدام است.

۲-۲-۵- تخفیف مجازات با توجه به قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹

برخی جرایم در دسته جرایم عمومی بوده و گذشت شاکی خصوصی تاثیری در اجرای مجازات نخواهد داشت، اما برخی جرایم گذشت شاکی می‌تواند موجبات تخفیف و تعدیل در اجرای مجازات و یا مختومه شدن پرونده کیفری مجرم را فراهم آورد. مطابق ماده ۱۰۴ اصلاحی سال ۱۳۹۹ در صورتی که مجرم فاقد سابقه کیفری باشد و مال مسروقه ارزشی کمتر از ۲۰۰ میلیون ریال داشته باشد، مجرم می‌تواند با جلب رضایت شاکی تخفیف در اجرای مجازات را تقاضا کند. در این صورت پرونده مختومه خواهد شد و تعقیب و اجرای مجازات منتفی می‌گردد.

کیف قاپی و جیب بری و امثال اینها، یکی از انواع سرقت های تعزیری هستند که در ماده ۶۵۷ قانون مجازات اسلامی مورد جرم انگاری قرار گرفتن. مطابق این ماده، سارقین به عنوان مجازات، به تحمل حبس از یک تا پنج سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم میشوند. حالا سوال اینه که این مجازات تو قانون جدید چه تغییری کرده؟ اصلاً قانون کاهش مجازات حبس تعزیری شامل این نوع سرقت میشه؟ پاسخ مثبت. مطابق قانون مذکور، مجازات حبس کیف قاپی و جیب بری به ۶ ماه تا ۲ سال و نیم تقلیل پیدا کرده است.

۲-۲-۶- تفاوت کیف قاپی و کیف زنی و جیب بری

جیب بری نوعی از سرقت است که طی آن سارق، پول یا اشیاء قیمتی مثل طلا، موبایل و... را از جیب لباس شخص قربانی برمی‌دارد. مال باخته در هنگام جیب بری، متوجه دزدی نمی‌شود. جیب‌برها سرعت عمل بالایی دارند و گاهی از طرفندهایی مثل سؤال پرسیدن یا تنه زدن برای ایجاد فرصت مناسب سرقت، استفاده می‌کنند. قاپ زنی نوعی از سرقت است که طی آن سارق، کیف یا موبایل قربانی را در یک حرکت ناگهانی می‌رباید. این جرم معمولاً توسط سارقان سواره (سوار بر موتورسیکلت یا خودرو) انجام می‌شود. چنگ زدن به ساعت مچی و دستبند و گردنبند و ربودن آنها هم قاپ زنی محسوب می‌شود. وجود مال خرابی که خواهان اینگونه اموال هستند، در افزایش آمار قاپ زنی تأثیر مستقیم دارد. جیب بری یکی از جرایم بسیار رایج جامعه ما می‌باشد و معمولاً در مکان های شلوغ و پرجمعیت مجرمین اقدام به جیب بری افراد می‌کنند. سارق در این نوع از جرم اقدام به سرقت پول، موبایل، طلا و یا هر اشیاء دیگری که در جیب یا کیف شخص جا شود، می‌کند. یکی از مشخصه های جیب بری این است که مال باخته متوجه عمل دزدی نخواهد شد این یکی از مشخصه های جرم جیب بری است زیرا اگر

شخص متوجه شود سارق نمی تواند این عمل مجرمانه را انجام دهد و چنانچه سارق به زور متوسل شود این عمل وی زورگیری یا بر حسب مورد جرم قاپ زنی خواهد بود و مجازات و تعریف آن در قانون متفاوت است. معمولاً جیب برها بسیار حرفه ای عمل می کنند و دارای سرعت عمل بالایی هستند و به صورت پنهانی اقدام به عمل مجرمانه خواهند کرد پس از اینرو مال باخته کمتر متوجه عمل خواهد شد. جالب است که در این نوع از جرم قانون برای سرقت از نوع جیب هم مجازات تعیین کرده است. بدین معنی که اگر سرقت از جیب آشکار فرد اتفاق بیفتد مجازات قانون برای آن مجازات مستوجب تعزیری و اگر جیب پنهان و زیرین فرد مال باخته باشد مجرم مستوجب حد خواهد بود. پس با این تفاسیر این جرم از جرم هایی است که قانونگذار به جزئیات آن برای تعیین مجازات دقت کرده است. لازم تا این تفاوت این موضوعات کاملاً مشخص شود البته مجازات هایی که برای جرم قاپ زنی و کیف زنی در نظر گرفته شده است همان ماده قانونی ۱۶۰ مجازات های اسلامی است. البته با این تفاوت چنان که گفته شد اگر جرم جیب بری مربوط به جیب پنهان و مخفی باشد مجازات آن مستوجب حد می باشد و مجازات های آن شدیدتر خواهد بود. اما در تفاوت جرم قاپ زنی و کیف زنی با جرم جیب بری باید به این مورد اشاره کرد که سارق در یک حرکت سریع و ناگهانی کیف و یا موبایل یا هر چیز دیگری که در دست شخص دیگری است را می رباید و سریع از محل وقوع جرم دور خواهد شد. چنگ زدن به ساعت و طلا و گردنبند از انواع دیگر حالت های قاپ زنی است که معمولاً افراد علاوه بر از دست دادن پول و مال خود آسیب های جسمی نیز خواهد دید که در صورت وجود آسیب های بدنی قطعاً حکم داده شده برای مجرم حداکثر مجازاتی خواهد بود که در قانون مشخص شده است. مجازات های قاپ زنی و کیف زنی مصداق مجازات جیب بری از جیب آشکار فرد خواهد بود و قانون بر این اساس مجازات یک تا پنج سال را برای فرد تعیین می کند و ۷۴ ضربه شلاق نیز از مجازات های دیگر این جرایم خواهد بود.

۲-۳- عوامل موثر بر کیف قاپی نوجوانان و جوانان

۲-۳-۱- عوامل رفتاری و شخصیتی:

۱. فقر عاطفی:

فقر عاطفی از عوامل فردی سرقت است کودکانی که از اختلالات عاطفی شدید رنج میبرند معمولاً در خانواده هایی رشد یافته اند که در اثر طلاق از هم پاشیده شده اند یا والدین تربیت مناسبی را برای فرزندان در نظر نگرفته اند، مرگ یکی از والدین و تبعیض بین فرزندان حالت هایی چون انزوا طلبی، افسردگی و اختلالات رفتاری در کودکان بوجود می آورد و این عوامل به نوبه خود ارتکاب به جرم را تسهیل می نماید.

۲. ناکامی:

وقتی انسان میل دارد به هدفی برسد ولی به علت برخورد با مانع یا موانعی چند به آن هدف دست نمی یابد می گوییم در آن ناکامی ایجاد شده است. وقتی میان امیال شدید ما و هدفهایمان سدهای ناگذشتنی وجود داشته باشد مثل جوانی که در خانواده ای فقیر و بی چیز متولد شده و در کودکی محبتی ندیده و سالها مورد بی مهری و بی توجهی واقع شده احتمالاً در بزرگسالی به غارتگری اموال دیگران دست می زند و این امر برای او رضایت خاطر را فراهم می آورد که همواره در جستجوی آن بوده است.

۳. حسادت:

حسد آرزوی زوال نعمت برای دیگران است، گاه فرد به دلیل عدم امکان رسیدن به موقعیت و منزلت دیگران نسبت به آنها حسادت می ورزد و برای اینکه به مانند صاحبان اموال مالک آنها گردد دست به دزدی می زند. (کی نیا، م، ۱۳۸۴)

۴. خودنمایی:

برخی از نوجوانان برای نشان دادن صفت کله شقی خود و جرات حادثه جوی که برای آنها بسیار ارزشمند است به سرقت روی می آورند و ظاهراً مصرف مواد مخدر یا دست زدن به سرقت برای نوجوان او را در چشم همگان کسی می سازد. خصوصاً برای نشان دادن جرات و شجاعت خود در بین دوستان. (شامبیاتی، ۱۳۹۲ ص ۹۴)

۵. محبت زیاد:

زیاده روی در محبت نیز مانع رشد تکامل شخصیت کودک می گردد کودکان ناز پرورده که در محیط خانواده تمام توقعات و خواسته هایشان بدون چون و چرا برآورده می شود در اجتماع هم انتظار دارند تمام آرزوهای آنان بزودی برآورده شود و در صورت عدم توفیق چون تاب و تحمل ندارند حاضرند برای رسیدن به انتظار و خواسته هایشان دست به هر کاری بزنند.

۲-۳-۲- عوامل اجتماعی - اقتصادی

۱. فقر مادی:

فردی که دچار این آسیب است از یک سو از لحاظ روانی احساس حقارت و مغبون بودن می کند و از جامعه طلبکار می شود و از سوی دیگر چون جامعه را مسئول محرومیت و فقر خود می پندارد نوعی احساس انتقام کشی در او پرورش می یابد به این ترتیب کوشش او برای فقر زدایی چه بسا در مجاری غیر قانونی وضد اجتماعی افتاده، به سرقت و یا خیانت کشیده می شود.

۲. فقر فرهنگی:

فقر فرهنگی نقش اساسی در ایجاد جرم دارد. دزدان اکثراً بی سواد در اثر فقدان امکانات رشد فکری برای پیشرفت و ترقی خود از شیوه های فرهنگی مثلاً از توانمندیهای جسمی بهره می گیرند. ساترلند در تبیین علل جرم به عوامل قومی مهاجرت، ناسازگاریهای برخی از گروهها و عدم رشد خرده فرهنگها توجه دارد و تبهکاری را مساله ای ناشی از تعارض فرهنگی می شناسد.

۳. طبقاتی بودن جامعه و نابرابری های اجتماعی:

نظریه تضاد بر پیامد های شخصی و اجتماعی تمرکز ثروت و قدرت در دست عده ای معدود در جامعه تکیه دارد جامبلیس و سیدمن عقیده دارند که چنین شرایطی در هر جامعه ای عنوان پیچیده ای که دارای نظام طبقاتی باشد به وجود می آید کوئینی نظام سرمایه داری را منشاء چنین نابرابری ها می داند کوهن آسیب شناس اجتماعی پاره فرهنگ ها را از مشخصه های اصلی جوامع طبقاتی می داند که احتمال کجروی های اجتماع را فزونی می بخشد، در این صورت ممکن است عاملی چون سرقت در برخی از نوجوانان و جوانان به صورت هنجار در آمده باشد در حالی که یک رفتار نابهنجار است.

۴. شهر نشینی و سکونت در محله های جرم خیز:

افرادی که در محله های پرجمعیت شهرهای بزرگ زندگی می کنند با شرایط اجتماعی و اقتصادی سختی روبه رو بوده مشکلات عدیده ای را به دوش می کشد زندگی در چنین شرایطی برای فرد مانند زندانی است که هیچ راه گریزی بر آن متصور نیست انبوهی و تراکم جمعیت که از ویژگی های محله ها و زاعه ها است موجب می شود تا فرد بتواند در زندگی داخلی و خصوصی خود مسائل و مشکلات شخصی را بروز دهد ناچار آن ها را از دیگران پنهان می دارد از این رو سرقت، فحشاء، اعتیاد و دیگر آسیب های اجتماعی به طور عجیبی در مکان های فقیر و شلوغ و فقیر نشین شهری رواج دارد که موجب پیدایی این مسائل شده است.

۵. از هم پاشیدگی خانواده و عدم امنیت عاطفی کودک:

بیشتر بزهکاران آغاز سرکشی خود را جدایی پدر و مادر می دانند، اختلاف خانوادگی و متشنج بودن خانواده نقش مهمی در پایه ریزی شخصیت فرد بر عهده دارد امنیت عاطفی فرد در آغوش خانواده به دست می آید بنابراین هر گونه خدشه که به این امنیت عاطفی وارد شود در روند طبیعی شکل گیری شخصیت فرد اختلال ایجاد می کند و این طبیعی است که فرد دارای اختلال شخصیت گرایش به بزهکاری می آورد. بنابراین خود را به انواع بزهکاری و از جمله سرقت آلوده می سازد.

۶. معاشرتهای ناباب:

می خواهیم بگوییم این پدر و مادران و دوستان و معاشران کودک هستند که او دزدی را می آموزند این امر به خصوص در بین نوجوانان بسیار به چشم می خورد مادر مدارس و اجتماع به گردهمایی از این نوع جوانان برمی خوریم که تیم یا باندی دارند و به سرقت می پردازند آنچه مهم است به رخ کشیدن این عمل نزد دوستان و نشان دادن این امر است که کاری فوق العاده انجام داده اند. آن ها تردستی زرنگی خود را که در راه ناصواب صرف شده برای خود نوعی افتخار به حساب می آورند و تبعاً معاشران آن ها برای این که نشان دهند چیزی از آن ها کم ندارند عمل شان را الگوی خود قرار داده و به همان راه کشانده می شود.

۷. عدم کنترل:

مسئله مهمی در این جا این است که شما مثلاً روزی ۱۰۰۰ ریال به فرزند خود می دهید طبعاً باید بتوانید حساب کنید که او اگر بخواهد صاحب خود نویس ۴۵۰۰۰ ریالی شود بیش از یک ماه و نیم باید پس انداز کند اگر او امروز با خود نویس به خانه آمد باید حس کنجکاو شما برانگیخته شود و تا منشأ آن را پیدا نکرده اید آرام نگیرید. (گسن، ر، ۱۳۷۷)

۸. الگوهای غلط:

محیط خانه و کلاً محیطی که طفل در آن رشد و پرورش پیدا می کند در پایه گذاری و توسعه این امر نقش فوق العاده دارد این نکته را نباید فراموش کرد که عملکرد های والدین در رابطه با ذهنیات کودک ممکن است ناروا باشد مثلاً کودکی در کتاب می خواند که عدم پرداخت مالیات نوعی دزدی است و بعد در خانه پدر را می بیند که از پرداخت مالیات سرباز می زند به این کار گرایش پیدا می کند.

۹. بیکاری:

عامل مهمی در ایجاد فقر است و فقر هم نقش مهمی در سرقت دارد.

۲-۳-۳- سایر علل و عوامل موثر بر سرقت و کیف قاپی:

همچنین عوامل موثر در سرقت بین مددجویان کانون اصلاح و تربیت رامی توان به شرح ذیل برشمرد:

علل و عواملی که در کیف قاپان موثر بوده و به نظر می رسد وقوع سرقت در زندان، بیشتر بستگی به آن موارد دارد بدین شرح است:

- ۱- عدم رعایت اصول اخلاقی، موازین اسلام و ارزشهای پذیرفته شده در مسیر زندگی
- ۲- نیاز و فقر مادی
- ۳- نابسامانی اقتصادی از طریق ایجاد فقر اجتماعی، و داشتن افراد به کارهای کاذب و عدم تامین حداقل نیازهای اولیه
- ۴- عدم تربیب صحیح و کامل، عدم آگاهی و شعور اجتماعی و پائین بودن سطح فرهنگ در برخی افراد
- ۵- ضعف مبانی اعتقادی و عدم پایبندی و تبعیت از مبانی اعتقادی و مذهبی
- ۶- بیماریها و کمبودهای روانی
- ۷- وجود نزدیکان و اطرافیان منحرف و مسائل منحرف کننده در محیط زندگی از جمله دوستان و معاشین ناباب
- ۸- اعتیاد
- ۹- وجود طمع و طمعکاری در همه کیف قاپان
- ۱۰- عوامل فردی نظیر وضعیت ظاهری از نظر ساختار جسمی و توارث و مجموعه صفات اخلاقی موروثی
- ۱۱- قمار باعث می شود قمار باز از فرط استیصال و جبران باخت به جرائم مالی از جمله سرقت روی آورد.

نتیجه گیری

بر اساس نتایج تحقیق جرمی که خیلی اتفاق می افتد آن هم کیف زنی یا به اصطلاح عامه کیف قاپی است. این جرم به دلیل آن که موارد شازده گانه سرقت حدی را شامل نمی شود جز سرقت های خاص است اگر این جرم بدون آزار یا تهدید صورت گیرد مجازات آن ماده ۶۵۷ قانون مجازات اسلامی است که عبارت است از: هر کس مرتکب ربودن مال دیگری از طریق کیف زنی جیب بری و امثال آن شود به حبس از یک تا پنج سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. و به دلیل شوک روحی که به مال باخته وارد میشود ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی را در برمیگیرد که عبارت است از هر کس بدون مجوز قانونی یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد. اما اگر این جرم با آزار یا تهدید صورت گیرد مجازات آن بند پنج ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی است که عبارت است از اگر مرتکب در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشد به پنج تا بیست سال حبس و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می گردد. که این نوع سرقت نیز ماده یک قانون مسئولیت مدنی را در بر می گیرد.

برای بررسی تاثیر محیط بر ارتکاب جرم کیف قاپی توسط اطفال و نوجوانان، در قید حیات بودن پدر طفل و نوجوان بزهکار، میزان تحصیلات ولی، شغل ولی، خصوصیات اخلاقی پدر و مادر میزان درآمد خانواده، اعتیاد ولی، سابقه محکومیت کیفری او، وضعیت تاهل پدر و مادر و نوع ارتباط آنها با یکدیگر و برخورد آنها با بچه ها و همچنین خصوصیات ولی در مورد فعالیت های

مذهبی خانواده مورد بررسی قرار گرفت که بررسی های مذکور نشان داد در سطح پایین تحصیلات پدر و مادر طفل و نوجوان سارق و کیف قاپ، بیکار بودن یا مشغول بودن اولیای اطفال سارق و کیف قاپ به کارهای کاذب، در آمد پایین خانواده اختلاف و دعوی پدر و مادر بایکدیگر، تعداد بالای جمعیت خانواده، میزان بالای تبعیض در خانواده و عدم انجام تکالیف مذهبی ولی، از عواملی بودند که تاثیر معنی داری در ارتکاب جرم سرقت توسط اطفال داشته اند. برای شناسایی تاثیر خصوصیات رفتاری و شناختی طفل و نوجوانان سارق و کیف قاپ و کیف قاپ در ارتکاب سرقت توسط او، سابقه فرار از خانه، نوع گذراندن اوقات فراغت، نوع فیلم مورد علاقه، خصوصیات فردی، سابقه اعتیاد، چگونگی تامین هزینه مورد نیاز زندگی، میزان انجام تکالیف مذهبی، میزان علاقه به تحصیل، وغیره میتواند تاثیر معناداری داشته باشد. در حالی که در سایر موارد تاثیر آنچنانی مشاهده نشده است. نکته جالب در این مورد میزان بالای خوشبختی به آینده و خون سرد بودن بزهکار است که نتایج آن بایافته های بدست آمده در تحقیقات کتابخانه ای متفاوت میباشد.

پیشنهادهای

- ۱- افزایش توان مالی و اقتصادی خانواده ها توسط دولت از طریق ایجاد اشتغال می تواند کمک زیادی به بزهکاران کودک و نوجوان قبل از ارتکاب جرم و حتی بعد از آن بنماید چرا که طی مصاحبه های انجام شده با مددجویان سارق و کیف قاپ و کیف قاپ، مشکل اقتصادی علت و انگیزه بزهکاری در بسیاری از افراد بوده است که هم اکنون در کانون نگهداری می شوند.
- ۲- با توجه به نقش محله در ارتکاب جرم خصوصا نقش محله های فقیرنشین، محرومیت زدایی از این مناطق از طریق ایجاد و گسترش امکانات فرهنگی و آموزشی و تفریحی و توزیع این امکانات می تواند نقش زیادی در از بین بردن تضاد اجتماعی و شخصی و جلوگیری از ارتکاب جرم خصوصا سرقت داشته باشد.
- ۳- افزایش نظارت های انتظامی و قضایی و جریمه و بازخواست فوری سارق و کیف قاپان نیز می تواند مانع ارتکاب مجدد جرم و تبدیل سارق و کیف قاپان تازه کار به سارق و کیف قاپان حرفه ای شود.
- ۴- ایجاد جو عاطفی مناسب برای فرزندان توسط والدین و توجه بیشتر به خواسته ها و نیازمندی های معقول کودکان و نوجوانان از طرف خانواده و مسولین مدرسه و نهادهای آموزشی و از همه مهمتر نظارت خانواده جهت جلوگیری از رفت و آمد کودکان و نوجوانان با دوستان و افراد ناباب نیز نقش موثر و اصلی در جلوگیری از ارتکاب جرم توسط آنان دارد.
- ۵- استفاده از آموزشهای مختلف خصوصا آموزشهای فنی و حرفه ای جهت درگیری و اشتغال کودکان در آینده و رفع نیازهای مادی آنان و همچنین آموزشهای علمی و مذهبی می تواند نقش زیادی در خودکنترلی کودکان و نوجوانان و جلوگیری از ارتکاب جرم توسط آنان داشته باشد.

همچنین می توان راههای زیر را به عنوان عوامل کاهش سرقت در بین نوجوانان و جوانان زیر ۱۸ سال پیشنهاد کرد:

- ۱- پدران و مادران به جای اینکه به فرزند بگویند مواظب باش بهتر است بگویند چگونه باش، چه کارهای را انجام بده و از چه اعمالی بر حذر باش باید به زبان ساده و با مثالهای قابل فهم، معنا و مفهوم دزدی را برای کودک روشن کنند و زشتی آن را به او بنمایانند تا دستش به این عمل زشت آلوده نگردد.
- ۲- هیچ جامعه ای نمی تواند ادعا کند که بدون فقر زدایی و بدون ناکامی زدایی قادر خواهد بود سرقت را ریشه کن کند، بنابراین از بین بردن فقر و تهیدستی با توجه به تاثیر مهمی که اوضاع ناسامان اقتصادی در بروز چنین آسیبی دارد از مهمترین کارها است.

- ۳- کنترل و مراقبت پدر و مادر در مورد دوستان ناباب و به طور کلی دوستان فرزندان خود یک ضرورت است زیرا عدم توجه پدر و مادر به چنین مسائلی به کرار از سوی سارق و کیف قاپان عنوان شده است.
- ۴- کاهش فاصله ارتباطی والدین با فرزندان به نحوی که فرزندان آنانرا به عنوان دوست خود تلقی کنند.
- ۵- فراهم آوردن زمینه سالم پرورش شخصیت کودکان و نوجوانان به وسیله مربیان و معلمان بطوری که فرد به گونه ای بار آید که از امور جرم زا بگریزد و در برابر آن به دفاع از حیثیت اجتماعی و اعتقادی خود بپردازد تنبیه و مجازات مسکنی بیش نخواهد بود.
- ۶- لازم است پدران و مادران در صورت مشاهده رفتار انحرافی در فرزندان خود بلافاصله مساله را جدی گرفته، زمینه آنها را قبل از آنکه ریشه بدوند قطع کنند.
- ۷- نظام آموزش و پرورش باید طوری طراحی شود که نوجوانان و جوانان را با کار و فعالیت اجتماعی آشناسازد و این آشنایی وسیله ای باشد برای تامین معاش و کسب در آمد، به ویژه برای آنانی که ازبیمه مالی کمتری برخوردارند، زیرا چون نوجوان احساس استقلال مالی کند و عزت نفس خود را حفظ شده ببیند به تعدیل و کنترل رفتار خود دست خواهد زد.
- ۸- تغییر محیط اجتماعی در تربیت بزهکاران موثر باشد زیرا شرایط مساعد و محیط خانوادگی و تربیتی مناسب برای تحول و پیشرفت آواز اهمیت بسزایی برخوردار است. برای بزهکار باید شرایطی فراهم شود که احساس تنهایی و بی کسی نکند و عشق به زندگی و نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن در او تقویت شود زیرا اگر زمینه های بزهکاری شناخته نشود و ریشه های آنها قطع نگردد بزهکاران علی رغم مجازات نه تنها اصلاح نمی شوند بلکه در جمع دوستان نا باب تجربه ها و مهارتهای بسیاری را می آموزند و حتی با تشکیل باند وبا آمادگی بیشتر برای ارتکاب جرمهای بعد وارد جامعه می شوند.
- ۹- ترجیح دادن پیشگیری بر درمان به منظور حذف زمینه های مساعد برای ابتلای افراد به آسیب های اجتماعی از اهمیت فروان برخوردار است برای دست یافتن به جامعه سالم باید پیشگیری و با صرف هزینه و امکانات کمتری می توان افراد رازیر پوشش قرار داد در حالی که برنامه های بازپروری و درمان به دلیل نیاز به انواع تخصص ها و اماکن ویژه نگه داری هزینه بسیار بالا را می طلبد. به علاوه پوشش آن متوجه عده کمی از افراد جامعه می شود و در عین حال بازدهی و نتیجه گیری آن بسیار اندک است.
- ۱۰- مبارزه مداوم با رشد بی رویه مشاغل کاذب تا بدین وسیله از سیل مهاجرت بی رویه روستاییان به شهر ها جلوگیری شود. دیده شده مشاغل کاذبی چون سیگار فروشی، دستفروشی ودلالی در بازارو.... مجرای برای فریب دادن آماده کردن جوانان بی گناهی است که به امید رفاه نسبی عازم شهرها بزرگ می شوند.
- ۱۱- آموزش اجتماعی و تربیتی به خانواده ها برای بالا بردن سطح فرهنگ خانواده و پرورش احساس مسئولیت والدین در قبال فرزندان خود و نیز تاسیس آموزشگاه مناسب به منظور تعلیم حرفه و فن و نیز ایجاد کانون های رفاهی و تفریحی مناسب به وسیله دولت یا بخش خصوصی.
- ۱۲- ایجاد اشتغال برای بیکاران و جلوگیری از ولگردی و اجرای بیمه دوران بیکاری و نیز ایجاد محیط مناسب ورزشی و آموزش اعتقادی و پرورش باورهای مذهبی در افراد برای استحکام مبانی ایمان در خانواده ها، زیرا پرورش اعتقادات و آموزش اصول مذهبی به علت اساسی موجب جلوگیری از ارتکاب اعمال خلاف به ویژه سرقت و کیف قاپی می گردد.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، ا، ۱۳۹۶. روانشناسی نوجوانان و جوانان، انتشارات مشعل، تهران.
۲. احمدی، ح، ۱۳۷۷. نظریه های انحرافات اجتماعی، انتشارات زر، چاپ اول.
۳. احمدی، ح، ۱۳۸۷. جامعه شناسی انحرافات، انتشارات جهاددانشگاهی، چاپ دوم. تهران.
۴. افشاری، م، ۱۳۷۳. علل شیوع سرقت در اطفال و نوجوانان بزهکار، پایان نامه ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
۵. اکبری، ر، ۱۳۸۴. سرقت در فقه اسلام، انتشارات دانشگاه آزاد تهران چاپ دوم.
۶. آقای نی، ح، ۱۳۹۲. جرایم علیه اشخاص، نشر میزان، تهران.
۷. بادامچی، ح، ۱۳۸۲. آغاز قانونگذاری تاریخ حقوق بین النهرین، انتشارات طرح نو، تهران.
۸. بهروان، ح، ۱۳۹۲. بررسی وضعیت اجتماعی-اقتصادی بزهکاران، انتشارات نشر اندیشه.
۹. بیرامی، م، ۱۳۷۸. خانواده و آسیب شناسی آن، انتشارات آیدین.
۱۰. تاج زمان، ۱۳۸۵. دانش، طفل بزهکار کیست، روش اصلاح و تربیت او چیست، کیهان، چاپ اول.
۱۱. جعفری لنگرودی، م ج، ۱۳۷۰. ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران.
۱۲. حبیب زاده، م ج، ۱۳۸۵. سرقت در حقوق کیفری ایران، نشر دادگستر، چاپ اول، تهران.
۱۳. خسروی، م ج، ۱۳۹۵. راهکارهای کنترل جرم، انتشارات نورسجاد، چاپ سوم.
۱۴. دادستان، پ، ۱۳۸۹. روانشناسی جنایی، انتشارات دانشگاهی سمت، چاپ هشتم.
۱۵. دقیقی، ج، ۱۳۷۶. سرقت اطفال و احکام آن در فقه اسلام، پایان نامه ارشد، دانشگاه قم
۱۶. دیویدال، ۱۳۸۴. روزنهان و مارتین ای. پی سلگمن، آسیب شناسی روانی، مترجم یحیی محمدی، نشر ساوالان، چاپ پنجم.
۱۷. ریموند، گ، ۱۳۸۷. مقدمه ای بر جامعه شناسی، ترجمه مهدی کی نیا، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. ساروخانی، ب، ۱۳۷۰. مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، انتشارات سروش، تهران.
۱۹. سالاری، ح، ۱۳۷۸. حقوق کیفری اختصاصی-سرقت تعزیری، انتشارات راه تربیت.
۲۰. ستوده، ه، ۱۳۸۹. آسیب شناسی اجتماعی، انتشاران تهران نشر آوای نور، چاپ بیست و یکم.
۲۱. سخاوت، ج، ۱۳۷۶. جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
۲۲. شامبیاتی، ه، ۱۳۹۶. بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات ژوبین، چاپ نهم.
۲۳. شمس، ع، ۱۳۸۸. آسیب شناسی زندان، انتشارات راه تربیت، تهران، چاپ سوم.
۲۴. صادقی، ذ، ۱۳۷۹. عوامل موثر بر انحراف اجتماعی، انتشارات ققنوس، چاپ دوم.
۲۵. صالح، ع پ، ۱۳۸۳. سرگذشت قانون، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۲۶. صبری، ن م، ۱۳۷۹. جرم سرقت در حقوق کیفری ایران و اسلام، انتشارات ققنوس، چاپ سوم.
۲۷. صلاحی، ج، ۱۳۸۸. بزهکاری اطفال و نوجوانان، نشر میزان، تهران، چاپ چهارم.
۲۸. عمید، ح، ۱۳۷۱. فرهنگ لغت، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲۹. غلامی، ح، ۱۳۸۲. بررسی حقوقی جرم شناختی تکرار جرم، نشر میزان، چاپ اول.
۳۰. فرجاد، م ج، ۱۳۷۱. آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات، انتشارات مجد.
۳۱. فیض، ع ر، ۱۳۸۷. ترجمه کتاب لمعه دوره فقه امامیه جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوازدهم.
۳۲. قربان حسینی، ع ا، ۱۳۷۱. جرم شناسی و جرم یابی سرقت، انتشارات جهاددانشگاهی، تهران

۳۳. کی نیا، م، ۱۳۸۴. مبانی جرم شناسی، انتشارات نثر، چاپ دوم.
۳۴. گسن، ر، ۱۳۷۷. جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، انتشارات مجد.
۳۵. گلدوزیان، ا، ۱۳۹۲. حقوق جزای اختصاصی، انتشارات جهاددانشگاهی، چاپ سوم.
۳۶. محمدنسل، غ، ر، ۱۳۹۱. مبانی پیشگیری از جرم، انتشارات نشر میزان، چاپ اول.
۳۷. معین، م، ۱۳۶۲. فرهنگ معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ پنجم.
۳۸. موسوی خمینی(ر ه)، ر، ۱۳۸۴. تحریرالوسیله، انتشارات قم.
۳۹. میرمحمدصادقی، ح، ۱۳۸۸. جرایم علیه اموال، مالکیت، نشر میزان، چاپ بیست و ششم، تهران.
۴۰. نادری، ع، ۱۳۹۰. روش های تحقیق در علوم انسانی، نشر اسبازان، تهران.
۴۱. ناصری، ا، ۱۳۷۰. نقش تربیت و وراثت درزهکاری کودکان، پایان نامه ارشد، دانشگاه شهیدبهبشتی
۴۲. نجفی توانا، ع، ۱۳۹۰. جرم شناسی، انتشارات آموزش و سنجش، چاپ یازدهم، تهران.
۴۳. نوریها، ر، ۱۳۷۷. زمینه جرم شناسی، انتشارات میزان.
۴۴. هافز، ه، ۱۳۸۲. قوانین هیتی ها، ترجمه فرناز اکبری، انتشارات طرح نو.